

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

برونو گیگ \* Bruno Guigue  
برگردان از: حمید محوی  
۳۱ مارچ ۲۰۲۰



## پاندمی و سوسیالیسم: درس بزرگ سیاسی

مرکز پژوهشهای جهانی سازی، ۲۸ مارچ ۲۰۲۰



دموکراسی غربی از هم گسسته، در آستانه انفجار بهداشتی، در فقدان توانایی در رویارویی با اپیدمی در حالی که ما هنوز در آغاز آن به سر می بریم و رهبران متزلزل ما که در ماه جنوری به ما می گفتند هیچ مشکلی وجود ندارد، و در ماه فبروری گفتند یک گریپ ملال آور است، و در آغاز ماه مارچ گفتند که باید برویم رأی بدهیم و دسته جمعی در تراس کافه ها بنشینیم.

رهبران غربی که برای خاموش کردن اپیدمی روی ایمنی جمعی به معنای مترادف کشتار جمعی سالمندان ما حساب باز کرده ولی از اعتراف بدان امتناع می کنند، از جنگی حرف می زنند که از هم اکنون به دلیل فقدان خواست پیروزی در

آن شکست خورده اند. این رهبران، رهبرانی نالایق، بزهدار و فروخته شده به سازندگان بزرگ دارو هستند که از نتایجی که آزمون خود را پس داده و شایستگی آن را دارد که به شکل گسترده مورد بررسی و آزمون قرار گیرد دوری می‌گزینند، که موضوع قرنطینه باشد، یا آزمایش غربالگری، شیوه درمانی، در همه این امور، تزلزل و فقدان تصمیم‌گیری و هباهوی بی‌معنا این احساس را به وجود می‌آورد که گوئی هواپیما بدون خلبان است.

زیر نورافکنها، برخی پزشکان عجیب و غریب به جای رهسپار شدن به جبهه با پیراهن سفید، وقتشان را صرف پر حرفی‌های بی‌هوده در صحنه تلویزیون با روزنامه‌نگارانی می‌کنند که شیادی از هر گوشه از مطالبشان آشکار است. دور از این نورافکنها، به عکس، پرسنل بهداشتی با وجود سیاق تحقیر آمیز طبقه حاکم که می‌خواهد بیمارستان عمومی را به نفع سود و سرمایه تعطیل کند قهرمانانه مبارزه می‌کنند.

ساختار درمانی که موجب افتخار ملی بود روی محراب سرمایه به ضرب اصلاحات نئولیبرال قربانی کردند، بیمه اجتماعی الگوئی که کمونیستها در سال ۱۹۴۵ به وجود آورده بودند و موجب نجات زندگی توده‌های میلیونی شده بود، الیگارشی علیه بهداشت و سلامت عمومی با رها کردن توده‌های عظیم و بر اساس منطق منافع [و ارزشهای] فردگرا به تخریب اجتماعی ارتکاب کرد. امروز کی باید روح همبستگی را بسیج و قاطعانه ثروت را در آنجائی که هست مصادره کنیم.

شکست آشکار، سهل‌انگاری وسیع به اصطلاح دموکراسی در مواجهه با مشکلاتی که این پاندمی در برابر ما قرار داده که مطمئناً نخستین و آخرین خواهد بود، خلع سلاح یک جانبه‌شکننده‌ترین بخش از جامعه در مقابل بیماری که از سوی دولت هماهنگ شده مردم فرانسه را به بدترین دشمن نشان تسلیم کرده است، تا طعمه‌ای باشد برای الیگارشی، یعنی همان طبقه‌ای که به هدف موهومی پر کردن هستی تهی و مداوم خود حتماً مادرش را نیز برای ضخیم‌تر کردن کیف پولش می‌فروشد، همان گونه که مارکس می‌گوید «محاسبات خودخواهانه در آبهای یخ زده».

در آنسوی جهان، چینی‌ها بی‌وقفه در رسانه‌های ما تحقیر می‌شوند و دائماً بی‌شرمانه از سوی رهبران ایالات متحده مورد تهمت قرار می‌گیرند، در حالی که چینی‌ها همه کاری کردند تا ظرف دو ماه به رهبری دولتی که سلامت عمومی اولویت ملی و همبستگی که چیزی بود فراتر از شعار انتخاباتی با پشتیبانی مالی بانکهای سوداگر، جلوی اپیدمی را گرفتند. قدرتهای آسیائی که موفق شدند با بسیج امکانات عظیم و با اتکاء به ارزشهای جمعی جلو اپیدمی را بگیرند [و توفیق آنان از جمله به این علت بود که] مانند ما طعمه اصلاحات نئولیبرال نشده بودند: کشوری پهناور مانند روسیه موفق شد از پیشروی اپیدمی در خاک ملی خود جلوگیری کند.

تیم‌های پزشکی چین، کوبا و ونزوئلا به کمک ایتالیا آمدند، کشوری اروپائی که از سوی هم‌پیمانانش مورد خیانت قرار گرفت. در اینجا بی‌هودگی اتحادیه اروپا آشکار می‌شود، و فقدان قدرت، فروپاشی در معرض نگاه همگان در ناتوانی از به کار بستن کمترین ساخت و ساز همبستگی بین کشورهای اروپائی رقت‌انگیز است. پزشکان کوبائی از سوی دولت فرانسه اجازه یافتند تا در مارتینیک مداخله کنند و چه شرمساری بزرگی برای یک قدرت بزرگ سرمایه‌داری که یکتا دولت سوسیالیستی در کارائیب را به کمک فراخواند، یعنی کشوری که از شصت سال پیش در محاصره اقتصادی امریکا به سر می‌برد.

همین کشور، کوبا، که با بسیج ساختار بهداشتی الگو و الگوئی که مورد ستایش سازمان جهانی بهداشت قرار گرفته، متوسط طول عمر مردم کوبا را به ۸۰ سال رسانده و از این پس در این زمینه از ایالات متحده پیشی گرفته است. توفیق انکار ناپذیر کشورهای که دارای دولتی قدرتمند، حاکم و متعهد به سلامت عمومی هستند، در این امر بوده که دولت برای نجات جان انسانها در صورتی که ضروری باشد حاضر به کاهش رشد اقتصادی ست، در حالی که گزینش

رهبران غربی خلاف چنین رویکردی را نشان می‌دهد، یعنی گزینشی که در خطر قربانی کردن هر دو می‌شود، و سرانجام با وخیمتر شدن وضعیت، اقتصاد و سلامت را به خطر می‌اندازند.<sup>1</sup>

درس فوق العاده برای هدایت مردم، درس بزرگ سیاسی به طور مشخص مقایسه ای بین خاصیت به اصطلاح دموکراسی که مردم را به حال خود رها می‌کند و به اصطلاح دیکتاتورهای که هر کاری برای نجات آنان انجام می‌دهد تا از مرگ اعلام شده نجاتشان دهند. درسی درباره برتری سوسیالیسم چینی یا کوبائی، و برای این که همه چیز را گفته باشیم، درسی درباره برتری ترقی خواهی حقیقی نسبت به رژیمهایی که چیزی به جز حقوق بشر در زبانشان ندارند، ولی به گونه ای رفتار می‌کنند که گوئی پادندمی حاصل قوانین طبیعی بوده و در حالی که نگاهشان به روی بازار بورس متوقف شده کشتار جمعی ادامه می‌یابد.

لینک متن اصلی :

<https://www.mondialisation.ca/pandemie-et-socialisme-une-magistrale-lecon-politique/5643468>

گاهنامه هنر و مبارزه/پاریس/۳۰ مارچ ۲۰۲۰

### \*- درباره برونو گیگ : Bruno Guigue

مقام عالی رتبه دولت فرانسه، مقاله نویس و سیاست شناس، استاد فلسفه در دبیرستان و استاد یار روابط بین المللی در دانشگاه رنویون. او نویسنده ۵ کتاب است «منشأ جنگ اسرائیل و عرب، ندامت پنهان غرب، هارماتان ۲۰۰۲»، «آیا باید لنین را سوزاند؟»، «دلایل برده داری» از جمله این کتابهاست و سدها مقاله. برونو گیگ بخشدار شهر سنت، در سال ۲۰۰۸ به دلیل نوشتن گزاره ای که به «نباید گفت ها تعلق دارد» یعنی افشای «ارتش اسرائیل کودکان فلسطینی را به قتل می‌رساند» از سوی میشل آلیو ماری وزیر کشور فرانسه از مقام خود برکنار شد.

---

<sup>1</sup> مترجم : بد نیست یادآوری کنیم که در دوران پاندمی اپوزیسیون های پنتاگونی، محافل ارتجاعی و نئولیبرال ایرانی نیز بی اعتناء به خطری که جهانیان را تهدید می‌کند نبوده اند، آنچه مشاهدات من در یوتوب نشان داده، این بوده که یکی از دغدغه های سخنرانان همیشه یادآوری «بی اعتباری کمونیسم»، «کمونیستها دیگر وجود خارجی ندارند...» و یا می‌بینیم که گروه فلسفی تازه تأسیسی در تورنتو به نام «لوگوس» با مضمون «اندیشه و نقد» نخستین اجلاس خود را با معرفی ستالین در کنار هیتلر و «دیکتاتورهای مادام العمر مانند فیدل کاسترو» آغاز می‌کنند. برای جماعتی ارتجاعی که در خدمت نئولیبرالیسم بوده و علیه منافع توده ها نه تنها توده های ایرانی بلکه توده های جهانی به خطا می‌کوشند مهم نیست که موضوع چه باشد، برای آنان تمام راه ها به رُم ختم می‌شود، و نورزی اجباری در پیوند با الزامات حرفه ای آنان را وامی‌دارد که پیش از همه کمونیستها را بی اعتبار اعلام کنند، و برای خودشان احتمالاً نقش فیلسوفانی را قائل هستند که با نقد و بررسی و خاصه حمله به هر چیزی که رنگ و بوی سوسیالیستی داشته باشد نظام مقدس ایده آل خودشان را از ورشکستگی نجات دهند که چیزی نیست به جز جنایت و خشونت طبقاتی علیه بشریت.